

تبیین نظام‌مند ادله‌ی فقهی تربیت جسمانی فرزندان در خانواده

جواد ابراهیمی^۱

عباسعلی تیموری عسگرانی^۲

چکیده

قرآن کریم نیرومندی جسمانی را از ویژگی‌های انسان برگزیده‌ی الهی برشمرده است. تربیت جسمانی کودکان، به معنای پرورش توانمندی‌های جسمی آنان برای تأمین نیازهای حیاتی و زمینه‌سازی تربیت در سایر ساحت‌هاست. پرسش اصلی پژوهش این است که وظیفه‌ی شرعی والدین در قبال تربیت جسمانی فرزندان چیست؟ این پژوهش با روش تحلیلی - استنباطی و با استناد به منابع معتبر فقهی، شامل آیات، روایات، قواعد فقهی و عقل، انجام شده است. ادله‌ی مورد استناد عبارت‌اند از: آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره، دال بر حرمت اضرار والدین به فرزندان؛ آیه‌ی ۶ سوره‌ی طلاق، دال بر وجوب مشورت والدین در امور مرتبط با سلامت کودک؛ قاعده‌ی «اعانه بر یر» که با تفکیک نیازهای پایه و حیاتی، موجب وجوب تأمین حداقل‌های سلامت، از نیازهای ارتقایی و نشاط‌آور، مقتضی استحباب تقویت بنیه، به کار رفته است؛ کشف مناسبت حکم و موضوع از روایات آموزش شنا و تیراندازی که رجحان استحبابی عموم فعالیت‌های جسمانی مفید را اثبات می‌کند؛ و قاعده‌ی عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل» که بر وجوب تأمین سطح پایه‌ی سلامت جسمانی کودک تأکید می‌نماید. بر اساس یافته‌ها، تکلیف والدین در قبال تربیت جسمانی کودکان دارای سه مرتبه است: «وجوب» در تأمین نیازهای پایه و حیاتی، مانند تغذیه‌ی کافی و درمان به‌موقع بیماری؛ «حرمت» هرگونه کوتاهی که به ضرر معتنا به عرفی برای سلامت کودک بینجامد؛ و «استحباب» ورزش‌های نشاط‌آور و تقویت بنیه فراتر از حد نیاز. نوآوری مقاله در استخراج نظام‌مند وظایف فقهی والدین از ادله‌ی متنوع و تبیین مراتب متفاوت احکام در این حوزه است.

واژگان کلیدی: تربیت جسمانی، مسئولیت والدین، فقه تربیتی، آیه‌ی ائتمار، آیه‌ی مضاره،

قاعده‌ی اعانه بر یر.

۱. گروه آموزشی معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری فقه و علوم تربیتی دانشگاه جامع‌المصطفی العالمیه. (ص)

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰



۱. مقدمه

تربیت جسمانی کودکان، به‌عنوان یکی از ساحت‌های مهم تربیت انسانی، نقش بنیادینی در سلامت و رشد همه‌جانبه‌ی فرد ایفا می‌کند و صاحب‌نظران در مکاتب و نظام‌های تربیتی مختلف، جایگاه ممتازی برای آن در نظر گرفته‌اند. والدین، به‌عنوان نخستین مربیان کودک، مسئولیت مستقیمی در فراهم‌آوردن زمینه‌های رشد جسمی و بدنی فرزندان خود دارند. با این حال، در منابع فقهی اسلام، جایگاه و حدود وظایف والدین در قبال تربیت جسمانی کودکان به‌صورت جامع و نظام‌مند تبیین نشده است. هرچند مباحثی مانند حضانت، نفقه و رضاع در منابع فقهی به تفصیل مطرح شده‌اند، مبحث خاص تربیت جسمانی کودکان و مصادیق آن، از جمله تأمین تغذیه‌ی مناسب، پیشگیری از آسیب‌های جسمانی و توجه به ورزش‌های متناسب با کودکان، چنان‌که شایسته و بایسته است، مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو، تبیین جایگاه و حدود وظایف شرعی والدین در این زمینه، نیازمند بررسی دقیق و مستند به ادله‌ی فقهی است.

بدون تردید، یکی از آسیب‌هایی که مانع تحقق اهداف تعلیم و تربیت دینی شده، نگاه نامتعادل به ساحت‌های تربیتی و اهتمام صرف به برخی از آن‌هاست. اسلام در نگرش جامع خود، به تمام ابعاد وجود انسان توجه داشته و از هدایت و کمال هیچ‌یک از آن‌ها غفلت نکرده است.

امروزه شاهد پناه بردن کودکان به بازی‌های رایانه‌ای، بی‌تحریکی، انزوای اجتماعی و گاه بروز خشونت‌های ناشی از انرژی‌های نهفته در وجود آنان هستیم. در چنین شرایطی، کودکان به‌جای به‌کارگیری اندام‌های بدنی و پرورش قابلیت‌های جسمانی خویش، به حرکات گاه انفجاری در فضای مجازی بسنده می‌کنند. اصلاح این وضعیت، بر عهده‌ی مربیان است و ضرورت بازنگری در چگونگی ایفای مسئولیت‌های تربیتی آنان در زمینه‌ی پرورش جسمانی کودکان آشکار است.

نتیجه‌ی مستقیم این بازنگری، کمک به حفظ سلامت جسمانی متربی است؛ به‌گونه‌ای که دست‌کم، او را در حفظ حیات و استمرار زندگی سالم، شاداب و بانشاط یاری رسانند. پرورش، بهداشت، حفظ سلامت و تقویت جسم، به‌نحوی که



به نیرومندی آن بینجامد، از مؤلفه‌های کمال جسمانی به شمار می‌رود؛ چنان‌که نیرومندی جسم اشخاص نیز کمال آنان محسوب شده است.

اهمیت تربیت جسمانی، هم «لنفسه» است؛ به این معنا که تأمین بهداشت و سلامت جسمی کودکان، به‌خودی‌خود اهمیت دارد؛ و هم «لغیره» است؛ زیرا موفقیت در سایر ساحت‌های تربیتی تا حدّ زیادی به صحت و سلامت جسمانی وابسته است. با توجه به جایگاه تربیت جسمانی کودکان و نقش و مسئولیت والدین در این زمینه، این موضوع پیش‌تر نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ اما پژوهش حاضر می‌تواند با پرکردن خلأهای موجود در بررسی مسئله بر اساس ادله‌ی قابل استناد در فقه تربیتی، راهنمایی قابل اتکا برای خانواده‌ها، مربیان و قانون‌گذاران در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های تربیتی فراهم آورد. همچنین، با ارائه‌ی مستندات فقهی و دینی، زمینه‌ی تقویت مسئولیت‌پذیری والدین در تربیت جسمانی فرزندان را فراهم می‌کند و می‌تواند از آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از سهل‌انگاری در این حوزه پیشگیری کند.

به‌طورکلی، می‌توان گفت که از دیدگاه اسلام، پرهیز از هر عملی که ارتکاب آن سلامت و کمال انسان را به مخاطره می‌اندازد، لازم است (بقره: ۱۹۵). همچنین، بر اساس مفاد قاعده‌ی «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، انجام هر عملی که برای بدن زیان‌بار باشد، اعم از آنکه زیان به خود شخص یا دیگران وارد شود، حرام است. (فتی، ۱۴۱۵، ص ۱۵۸)؛ البته ضرر حرام، ضرر مهم و معتد به نزد عقلا است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۷۴) بنابراین حتی وقتی امر واجب (مانند روزه) احیاناً برای بدن ضرر داشته باشد، آن را حرام می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ص ۷۶).

پرسش اصلی پژوهش این است که از منظر ادله‌ی فقهی، وظیفه‌ی والدین در قبال تربیت جسمانی کودکان چیست و آیا می‌توان والدین را از نظر شرعی به اتخاذ تدابیر مناسب در این زمینه مکلف دانست؟ پرسش‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: بررسی مفهوم تربیت جسمانی در منابع فقهی، تحلیل ادله‌ی قرآنی و روایی مرتبط با وظایف والدین و تبیین حدود مسئولیت والدین در این حوزه.



۱-۱. پیشینه ی پژوهش

به عنوان پیشینه ی عام این پژوهش، می توان تحقیقات انجام شده را در دو دسته جای داد. برخی پژوهش ها به صورت عام به حقوق و تکالیف والدین در تربیت فرزند پرداخته اند؛ از جمله مقاله ی «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین و اسناد حقوق بشر» (فقه و حقوق خانواده، ۱۳۹۴، ش ۶۲، ص ۱۷۳) که عمدتاً رویکردی حقوقی به موضوع داشته و بر اسناد بین المللی و حقوق داخلی متمرکز است. اگرچه پژوهش مذکور به تربیت کودک پرداخته است، از یک سو، موضوع را از منظر حقوقی بررسی کرده و از سوی دیگر، به طور خاص به حقوق آموزشی و تربیتی کودک در ساحت تربیت جسمانی نپرداخته است. دسته ی دیگر، پژوهش هایی هستند که با رویکرد فقهی به یکی از ساحت های تربیتی پرداخته اند؛ از جمله مقاله ی «رهیافتی فقهی بر چیستی حکم تربیت جنسی بر اساس ادله ی عام و خاص تربیت» (فقه و حقوق خانواده، ۱۳۹۹، ش ۷۲، ص ۱۲۷). این مقاله، اگرچه از حیث روش شناسی، نوع ادله ی مورد استناد و شیوه ی تحلیل و استنباط از مستندات به پژوهش حاضر نزدیک است، پژوهشگر از میان ساحت های تربیت، تنها به بررسی فقهی احکام شرعی مربوط به قلمرو تربیت جنسی پرداخته است. همچنین، ادله ی مورد استناد در آن، پیرامون تبیین وظایف مربیان در ارتباط با آموزش و تربیت جنسی کودکان است.

مقاله ی حاضر از جهات زیر با پیشینه ی موجود تفاوت دارد: اولاً، تمرکز آن بر ساحت جسمانی، به عنوان یکی از ابعاد مهم و مغفول تربیت دینی است؛ ثانیاً، با استناد به طیف متنوعی از ادله، شامل آیات، قواعد فقهی، روایات و دلیل عقل، به استنباط احکام شرعی می پردازد؛ و ثالثاً، مراتب حکمی متفاوت، شامل وجوب مشورت، حرمت اضرار و استحباب اعانه، را در این حوزه تبیین می کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر در پی پرکردن خلأ موجود در تحقیقات فقهی مرتبط با تربیت جسمانی کودکان است.

در زمینه ی پیشینه ی خاص موضوع نیز برخی محققان از گذشته به این مسئله پرداخته اند؛ از جمله مقاله ی «واکاوی ابعاد تربیت فیزیکی، جسمانی از منظر تعالیم امام رضا علیه السلام» (پژوهشنامه امام رضا (علیه السلام) و علوم روز، ۱۴۰۴، ش ۸،



صص ۶۷-۹۱) با روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر روایات امام رضا علیه‌السلام، تربیت جسمانی را در شش محور، از جمله تغذیه، ورزش و بهداشت، دسته‌بندی کرده است. با وجود این تلاش، پژوهش یادشده با روش اجتهادی - استنباطی انجام نشده و در نتیجه، نتوانسته است احکام شرعی، مانند وجوب یا استحباب رفتارهای والدین، را استخراج کند. افزون بر این، محدودکردن منابع روایی به روایات یک امام معصوم علیه‌السلام و چشم‌پوشی از آیات قرآن، قواعد فقهی و سایر روایات، امکان دستیابی به یک نظریه‌ی عام فقهی را محدود کرده است. همچنین، در آن پژوهش میان «توصیه‌های بهداشتی» و «تربیت جسمانی به‌عنوان ساحتی مستقل از تربیت، با اهداف و روش‌های مشخص»، تفکیک روشنی صورت نگرفته است. مهم‌تر آنکه نقش و تکلیف شرعی والدین، به‌عنوان مربیان اصلی کودک، در آن تبیین نشده است. مقاله‌ی حاضر درصدد است این خلأ را با به‌کارگیری روش اجتهادی - استنباطی و تمرکز بر وظیفه‌ی والدین در قبال تربیت جسمانی فرزندان برطرف کند و از این رهگذر، گامی فراتر از پژوهش پیشین بردارد.

مقاله‌ی «بررسی فقهی بهداشت جسمی کودکان پس از تولد» نیز با روش استنباط فقهی، احکام مربوط به بهداشت بدن و تغذیه‌ی نوزاد را از آیات، روایات و دلیل عقل استخراج کرده است. (مطالعات فقه تربیتی، ۱۳۹۸، ش ۳۸، صص ۷-۳۹). با این حال، قلمرو این پژوهش به دوره‌ی نوزادی و مسائل بهداشتی - تغذیه‌ای هنگام تولد محدود می‌شود و به مراحل بعدی رشد، از جمله کودکی و نوجوانی، نمی‌پردازد. همچنین، در این اثر، «تربیت جسمانی» به معنای پرورش تدریجی توانمندی‌های بدنی از طریق تحرک، ورزش و تقویت بنیه مورد توجه قرار نگرفته است. به بیان روشن‌تر، موضوع بررسی‌شده در این پژوهش «بهداشت آغازین جسم» است، نه «تربیت جسمانی در طول رشد کودک». مقاله‌ی حاضر درصدد است این خلأ را با تمرکز بر وظیفه‌ی والدین در تمام مراحل کودکی و نوجوانی و با تأکید بر ابعاد تحرکی و ورزشی تربیت جسمانی برطرف کند.

مقاله‌ی «روش‌های تربیت جسمانی در قرآن کریم» نیز با رویکرد توصیفی - تحلیلی، اهداف و روش‌های تربیت جسمانی را صرفاً از منظر آیات قرآن استخراج



کرده است. (پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۳۹۱، ۸، صص ۱-۲۸). با وجود تلاش نویسنده در تبیین مفاهیمی مانند نظافت، تغذیه‌ی سالم و نقش آن در عبادت، این پژوهش با روش اجتهادی - استنباطی انجام نشده و در نتیجه، احکام شرعی مربوط به تکالیف والدین، اعم از وجوب، حرمت و استحباب، را مشخص نکرده است. افزون بر این، بسنده کردن به آیات قرآن و چشم‌پوشی از روایات معصومان علیهم السلام، قواعد فقهی و دلیل عقل، دامنه‌ی استدلال را محدود ساخته و از جامعیت بررسی فقهی کاسته است. همچنین، در این پژوهش، نقش ویژه‌ی والدین به عنوان مکلفان اصلی در تربیت جسمانی فرزندان مورد بررسی قرار نگرفته است. مقاله‌ی حاضر با به کارگیری روش اجتهادی - استنباطی و استناد به ادله‌ی اربعه، درصدد رفع این خلأ و تبیین تکلیف شرعی والدین در قبال تربیت جسمانی فرزندان است.

بنابراین، عمده‌ی تحقیقات پیشین در زمینه‌ی تربیت جسمانی کودکان، ناظر به آداب و مسائل بهداشتی بوده‌اند و برخی نیز به استخراج اهداف، روش‌ها و ابعاد تربیت جسمانی بر اساس آیات قرآن یا روایات پرداخته‌اند. با این حال، کمتر به بررسی فقهی وظایف تربیتی مربیان، از جمله والدین، بر پایه‌ی ادله‌ی دینی توجه شده است. برخی رساله‌ها و مقالات نیز به صورت پراکنده به نقش والدین در تربیت فرزندان اشاره کرده‌اند؛ اما تحلیل نظام‌مند و جامع ادله‌ی فقهی مرتبط با تربیت جسمانی کودکان، همچنان نیازمند بررسی بیشتر است. نوآوری مقاله‌ی حاضر در تمرکز بر مبانی فقهی تربیت جسمانی و تبیین دقیق تکالیف شرعی والدین با استناد به آیات قرآن، روایات و قواعد فقهی است. این پژوهش، افزون بر کمک به رفع خلأ علمی موجود، می‌تواند راهنمایی عملی و مستند برای خانواده‌ها و نهادهای تربیتی فراهم آورد و در ارتقای سلامت جسمانی و معنوی کودکان نقش مؤثری ایفا کند.

۲-۱. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی - استنباطی است و با تکیه بر منابع اصیل فقهی، شامل آیات قرآن کریم، روایات معصومان علیهم السلام و قواعد فقهی، به استنباط احکام شرعی مربوط به وظایف والدین در تربیت جسمانی کودکان



می‌پردازد. خاستگاه نظری این پژوهش به حوزه‌ی مطالعات فقه تربیتی بازمی‌گردد که مسائل تربیتی را از منظر مبانی و ادله‌ی فقه اسلامی بررسی می‌کند و می‌کوشد با استخراج احکام و تکالیف شرعی، چارچوبی دینی برای نظام تعلیم و تربیت اسلامی ارائه دهد.

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث، برای تشریح مقصود از عناوین مهم مسئله‌ی پژوهش، لازم است مفهوم و مقصود از تربیت، جسم و تربیت جسمانی روشن شود.

۲-۱. مفهوم تربیت

تربیت در لغت از می‌تواند از ماده‌ی «ربو» یا «ربب» باشد. بنابر اینکه تربیت از ماده‌ی «ربو» باشد، در کتب اصیل لغت آن را تغذیه کردن، (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۳) زیاد شدن، (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۳۴۹) کثرت و رشد و نما، معنا کرده‌اند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۲۷۵). ابن فارس «ربو» را یک اصل شمرده که به معنای زیادت، رشد و نما و علو است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳). بنابر اینکه تربیت از ماده‌ی «ربب» باشد، لغت شناسان آن را به معانی حضانت، (ولایت و سلطنت بر تربیت طفل) (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۵۶) تعهد و حسن تدبیر، (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰، صص ۲۱۲-۲۱۴) اصلاح و اتمام، (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۰) ایجاد چیزی و به تدریج تکامل بخشیدن به آن تا رساندن آن به حد کمال شمرده‌اند. در استعمال اخیر، راغب در مفردات چنین می‌نویسد: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ»؛ (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶)

به‌طور خلاصه، ماده‌ی «ربو» غالباً ناظر به تغذیه و رشد جسمانی و مادی و «ربب» بیشتر ناظر به تدبیر نمودن، پروراندن و به کمال رساندن است. البته با توجه به اینکه لغت‌شناسان برخی مشتقات از هر دو ماده را صرف‌نظر از تفاوت معنایی که این دو ماده دارد، ذیل واژه «تربیت»، ذکر کرده‌اند، به نظر می‌رسد نوعی معنای عام شامل توجه به تغذیه و رشد جسمانی (بنا بر ماده‌ی ربو) و



رساندن به کمال معنوی (بنا بر ماده‌ی رب) در این ماده قابل توجه است که نوعی تلازم و ترتب نیز میان مفاهیم وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که رشد و پرورش جسمانی لازمه‌ی پروراندن و به کمال رساندن در سایر ابعاد است.

«تربیت» در اصطلاح چنین تعریف شده است: «تربیت عبارت است از فرایند کمک و یاری‌رسانی به مربی برای ایجاد تغییر تدریجی در طول زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او؛ تغییری که به‌واسطه‌ی عامل انسانی دیگری و به‌منظور دستیابی مربی به کمال انسانی، شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای وی صورت می‌گیرد.» (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۱).

۲-۲. مفهوم جسم

جسم، بنابر آنچه خلیل در العین بیان می‌کند، به مجموعه‌ی بدن و اعضای بدن انسان، شتر، چهارپایان و مانند آن‌ها اطلاق می‌شود. واژه‌ی «جسمانی» نیز با ضم جیم برای اشاره به جسم به‌کار می‌رود؛ چنان‌که گفته می‌شود: «إِنَّهُ لَنَحِيفُ الْجُسْمَانِ»، که به لاغری جسم اشاره دارد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۶۰ و صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۹) جوهری در صحاح جسم، جُسْمَان و جُسْمَان را به مفهوم جسد بیان کرده است. (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۸۸۷) راغب اصفهانی در مفردات جسم را آن چیزی دانسته که واجد طول و عرض و عمق است. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۹۶). با این توضیح جسم و جسمانی برای اشاره به جسد و اعضای مادی بدن انسان به‌کار رفته است.

۳-۲. مفهوم تربیت جسمانی

«تربیت جسمانی» از ترکیب دو واژه‌ی «تربیت» و «جسمانی» تشکیل شده است؛ بنابراین، در تربیت جسمانی، پرورش و رشد جسم مدنظر است. مقصود از تربیت جسمانی انسان، همان‌گونه که از مفهوم این واژه برمی‌آید، پرورش استعدادهای مربوط به جسم انسان، از میان قابلیت‌های گوناگون اوست. «تربیت» به‌معنای پرورش موجود زنده یا یکی از ابعاد وجودی او از طریق فراهم کردن زمینه‌ی رشد استعدادهای موجود در اوست (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۵۶۴). منظور



ما از تربیت جسمانی در معنای جامع، مجموعه‌ی تلاش‌های مربیان برای افزایش آگاهی متربی، جهت‌دهی به علایق و گرایش‌های او و کمک به انجام فعالیت‌های بدنی شایسته است که با هدف حفظ سلامت، تقویت بدن و افزایش توانمندی و نیرومندی جسمانی متربی صورت می‌گیرد.

۳. تبیین مبانی علمی و دینی تربیت جسمانی

پیش از ورود به ادله فقهی، تبیین مبانی دینی تربیت جسمانی ضروری است تا ضرورت و جایگاه این ساحت تربیتی بر اساس جهان‌بینی اسلامی روشن شود. مهم‌ترین این مبانی عبارت‌اند از:

۱. ترکیب انسان از روح و بدن

یکی از مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی، دو ساحتی بودن وجود انسان برخلاف حیوانات و ملائکه است. انسان موجودی مرکب از روح و بدن است (مؤمنون: ۱۴؛ بقرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۴۳). در انسان هم ویژگی‌های موجودات روحانی و عالم ماورای طبیعت وجود دارد، هم میل و قابلیت‌های طبیعی و جسمانی در او فعال است. (داودی و کارآمد، ۱۴۰۲، ص ۴۶) اندیشمندان بسیاری از گذشته به دوجودی بودن انسان و ترکیب وجود او از روح و بدن اشاره کرده‌اند. وجود جسم امری بدیهی است وجود روح نیز قابل اثبات به واسطه ادله‌ی عقلی و نقلی است. بر این اساس، در تعلیم و تربیت انسان باید هر دو بعد وجودی او در نظر گرفته شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، صص ۱۶۴ و ۱۶۵). اقتضای وجود این دو ساحت در انسان وجود نیازها و تمایلات متفاوت است درباره‌ی ساحت روحانی، پرورش تمایلات معنوی باید مدنظر قرار گیرد؛ اما اقتضای توجه به ساحت جسم انسان پاسخ مناسب و تأمین ابزار مناسب رشد جسمانی انسان است.

۲. تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر

روح و بدن بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. قرآن کریم به این تأثیرپذیری دوطرفه اشاره کرده است؛ از یک سو می‌فرماید: (كَلَّا تَلَوَّانَ عَلَىٰ آلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (مطففین: ۱۴) که بر اساس آن، گناهان (اعمال بدنی) بر دل‌ها زنگار می‌نشانند و از سنخ تأثیر



بدنی بر روحی است. از سوی دیگر، حالات روحی در بدن تأثیر می‌گذارد چنانکه قرآن از لرزیدن پوست‌ها به هنگام شنیدن یاد خدا سخن می‌گوید: (نَقَشَعْرُهُمْ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ) (زمر: ۲۳). همچنین، بیماری‌های جسمانی، روان انسان را رنجور می‌سازند و فشارهای روحی و روانی نیز بر بدن انسان تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، در ساحت‌های تعلیم و تربیت باید توجه داشت که با وجود اصالت ساحت‌هایی که جنبه‌ی عقلانی در آن‌ها برجسته است، نباید از توجه ویژه به بدن غفلت کرد. از این رو، اگرچه در تعلیم و تربیت اسلامی، جهت‌گیری اساسی معطوف به پرورش و استکمال روح است و هنگام تراحم خواسته‌های روحی با نیازهای بدنی، اولویت با پرورش روح خواهد بود، اما از آنجا که بی‌تردید پرورش بدن وسیله‌ای برای تکامل روح به شمار می‌رود، نمی‌توان جایگاه جسم سالم را نادیده گرفت.

۳-۱. جسم و روح به عنوان دو متعلق تربیت

با توجه به مطالب پیشین که بر پایه‌ی آیات و روایات، وجود انسان را مرکب از دو بُعد جسم و روح با تأثیر و تأثر متقابل دانسته‌اند، این پرسش مطرح می‌شود که متعلق تربیت در اسلام چیست و کدام ابعاد وجودی انسان باید پرورش یابند؟ از منظر جامع تربیتی اسلام، آنچه در انسان نیازمند تربیت است، مجموعه‌ی استعدادهای جسمانی و روحانی اوست؛ زیرا انسان از جسمی برخوردار از قوای جسمانی و روحی برخوردار از قوای روحانی تشکیل شده است که هر دو، استعداد رشد و تکامل دارند. قرآن کریم بر این حقیقت تأکید کرده و در توصیف مؤمنان، به هر دو بُعد وجودی انسان اشاره کرده است: (رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ) (نور: ۳۷) که ناظر به بعد روحانی است و در جای دیگر در توصیف فرماندهی سپاه برگزیده‌ی خدا بر مردم می‌فرماید: (وَرِزَالُهُمْ بِسَطَةِ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ) (بقره: ۲۴۷) که در کنار دانش، به توانمندی جسمانی نیز اشاره دارد. در آموزه‌های دینی، بر لزوم حفظ سلامت جسمانی پیش از ازدست رفتن آن تأکید شده است؛ زیرا جبران برخی از ظرفیت‌های جسمی پس از زوال، گاه دشوار و گاه ناممکن است. امام صادق علیه السلام نیز در روایتی، در مقام تبیین محتوای



صحیح دعا و درخواست بنده از خدای متعال، توصیه فرموده‌اند که انسان رشد و کمال هر دو بُعد دنیوی و اخروی خود را از خداوند درخواست کند: «قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۸۸). چنان‌که از نظر روان‌شناسی نیز، استعدادهای جسمانی بخشی از مجموعه‌ی استعدادهای انسان را تشکیل می‌دهند (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۵۵۷). بنابراین، در تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به استعدادهای عقلانی و روحانی در کنار استعدادهای جسمانی، نه تنها مطلوب، بلکه ضروری است و غفلت از هر یک از این ابعاد، تربیت را از مسیر اعتدال خارج می‌سازد.

۳-۲. مقدمات پرورش جسم برای روح

اکنون این پرسش مطرح است که جایگاه تربیت جسمانی در نسبت با پرورش قوای روحانی چیست؟ تقویت جسم به معنای نیرومند ساختن و سالم نگه‌داشتن آن است؛ امری که در اسلام به آن توصیه شده است. پرورش جسم به معنای واقعی آن، یعنی تربیت، تقویت، سالم نگه‌داشتن و نیرومند ساختن جسم، بی‌تردید ممدوح است و می‌توان آن را از مسلمات اسلام دانست؛ تا آنجا که فلسفه‌ی بسیاری از امور دیگر، از قبیل نظافت، غسل‌ها و دستورهای بهداشتی اسلام، تقویت جسم است. به‌طور کلی، اسلام ضعیف نگه‌داشتن جسم و قوای جسمانی را نمی‌پذیرد؛ باین‌حال، تردیدی نیست که تقویت و تربیت جسم از منظر اسلام، هدف نهایی نیست، بلکه مطلوبیت ابزاری دارد و به‌عنوان وسیله و شرط مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به این معنا که برخورداری از جسمی سالم و نیرومند، برای پرورش روحی سالم و معنوی ضروری است. (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۵۵۸ و ۵۵۹).

۳-۳. نگاه معتدل و متوازن تربیتی

تربیت اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی دینی است که انسان را موجودی ذی‌ابعاد می‌شمارد. واقع‌نگری در این مسئله اقتضا می‌کند که اقدامات تربیتی مریبان در قبال متریبان، همه‌ی ابعاد وجودی آنان را دربرگیرد؛ به‌گونه‌ای که توانایی‌های متربی، ازجمله قابلیت‌های جسمی و روحی، مدنظر قرار گیرد و برای رشد و تکامل آن‌ها



اقدام شود.

حاکمیت نگاه معتدل و متوازن در تربیت، به معنای نفی هرگونه بی‌توجهی به توانایی‌های قابل توجه جسمی و روحی انسان است. روشن است که توجه صرف به رشد قابلیت‌های جسمی یا عقلی متربی، نگاهی افراطی یا تفریطی به این مسئله است که حاصل آن، ازبین رفتن برخی استعدادها و رشد نامتعادل ابعاد دیگر وجود انسان خواهد بود. چنین رشدی با آموزه‌های دینی سازگار نیست؛ ازاین‌رو، تربیت‌یافته‌ی چنین رویکردی را نمی‌توان انسان کامل و ایده‌آل دانست. به‌این‌ترتیب روشن می‌شود که:

اولاً: در کنار اهمیت کمال عقل و روح، سلامتی و رشد جسمانی متربی بخشی از تربیت است.

ثانیاً: رشد و کمال عقلانی و جسمی در همدیگر تأثیر متقابل جدی دارند که بی‌تفاوتی به رشد جسمی، موجب تضعیف زمینه رشد معنوی است.

ثالثاً: رشد جسمانی نقش مقدمی و ابزاری و زیربنایی برای ایجاد زمینه‌ی رشد معنوی دارد.

رابعاً: لازمه جامعیت تربیت، نگاه متعادل مربیان برای پرورش ابعاد جسمی و روحی است.

۴. ادله‌ی فقهی وظیفه‌مندی والدین در تربیت بدنی کودکان

بحث حاضر به بررسی وظیفه‌ی مربیان، به‌ویژه والدین، از منظر ادله‌ی فقهی می‌پردازد. اقتضای بررسی مسئله به شیوه‌ی فقهی، مراجعه به ادله‌ی قرآنی و روایی و نیز قواعد فقهی است. ادله‌ی مورد بحث عبارت‌اند از: برخی آیات قرآن کریم، قاعده‌ی عام اعانه بر نیکی، قاعده‌ی مقدمه‌ی مفوته، تنقیح مناط از ادله‌ی نقلی درباره‌ی تکلیف والدین نسبت به آموزش شنا و تیراندازی، و مفاد سیره‌ی عقلا درباره‌ی این موضوع.

۴-۱. آیه‌ی تشاور

(وَأْتِمِرُوايَنْكِرْهُمَغُرُوفٍ)؛ و (درباره‌ی فرزندان، کار را) با مشاوره‌ی شایسته



انجام دهید (طلاق: ۶).

در بررسی مفاد آیه‌ی شریفه ابتدا به مفهوم شناسی ائتمار و معروف پرداخته می‌شود:

الف. «ائتمار»

واژه واژه‌ی «ائتمار» در آیه‌ی (وَأَتِمُّوايُنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ) (طلاق: ۶)، اگرچه معانی گوناگونی، همچون پذیرش امر، امر متقابل و اهتمام، دارد، با توجه به قرائن موجود، مشهور مفسران و لغت‌شناسان آن را به معنای مشورت و مشاور دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۹؛ جوهری، ۱۴۱۰، ص ۲، ص ۵۸۲). این معنا با تعبیر «بَيْنَكُمْ» در آیه سازگاری بیشتری دارد و شواهد قرآنی دیگر، از جمله آیه‌ی (إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُتِمُّونَ بِكِ لِقَتُلُوكَ) (قصص: ۲۰)، که در آن «يَأْتِمُرُونَ» به معنای مشورت کردن تفسیر شده است، این برداشت را تأیید می‌کند.

از میان احتمالات یادشده، احتمال سوم، یعنی معنای مشورت برای «ائتمار»، اظهر است؛ زیرا شواهد بیشتری در قرآن، روایات و استعمالات عرفی آن را تأیید می‌کنند. برخی از این شواهد عبارت‌اند از:

الف) کاربرد قرآنی: در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی قصص، واژه‌ی «يَأْتِمُرُونَ» به معنای مشورت کردن تفسیر شده است: (إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُتِمُّونَ بِكِ لِقَتُلُوكَ).

ب) دیدگاه مفسران: سبزواری در تفسیر همین آیه می‌گوید: «أَيُّ أَنْ الْأَشْرَافِ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَتَشَاوَرُونَ فَيَكُ لِقَتُلُوكَ» (سبزواری، ۱۴۱۹، ص ۳۹۳).

ج) سازگاری با تعبیر «بَيْنَكُمْ»: تعبیر «بَيْنَكُمْ» در آیه ائتمار، با معنای مشورت و تعامل متقابل سازگاری بیشتری دارد و این برداشت را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد با رفع تنافی ظاهری میان معانی یادشده، بتوان آن‌ها را با یکدیگر جمع کرد؛ به گونه‌ای که همه‌ی این مفاهیم، در جهت‌گیری کلی با یکدیگر هماهنگ باشند. وجه جمع آن است که والدین وظیفه دارند در امور مربوط به فرزندان، با یکدیگر تعامل و مشارکت داشته باشند، درباره‌ی چگونگی انجام وظایف، نفع‌رسانی به فرزند و دفع ضرر از او مشورت کنند، دیدگاه طرف مقابل را مدنظر قرار دهند و با تمکین در برابر حق، رأی صحیح یکدیگر را بپذیرند. هرگاه یکی از آن‌ها در انجام تکلیف خویش سستی کند، طرف دیگر باید او را به انجام وظیفه فراخواند.



تربیت فرزند صالح، مستلزم اهتمام، عزم استوار و قاطعیت والدین و پرهیز از تزلزل در رویه‌ی تربیتی است؛ البته این امر باید با پرهیز از پیروی از تمایلات نفسانی و خودرایی، که مانع هم‌فکری است، همراه باشد.

ب. معروف

واژه‌ی «معروف» در آیات قرآن، از جمله آیه‌ی ائتمار، به معنای امر شناخته‌شده و پسندیده است. از دیدگاه لغت‌شناسان، معروف به هر فعلی اطلاق می‌شود که از نظر عقل و شرع، نیکو و پسندیده باشد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰). اگرچه درباره‌ی معنای معروف دو احتمال مطرح است: نخست، معروف شرعی، یعنی آنچه در شرع رجحان دارد؛ و دوم، معروف عرفی، یعنی آنچه نزد عقلا راجح است؛ اما با توجه به اینکه الفاظ قرآن دارای حقیقت شرعیه نیستند و استعمالات قرآنی، نظیر آیه‌ی (عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء: ۱۹)، نیز این برداشت را تأیید می‌کنند، مراد از معروف در آیه‌ی ائتمار، معنای عرفی آن است؛ یعنی هر امر پسندیده‌ای که عقلا آن را نیکو می‌شمارند، مگر آنکه شارع از آن منع کرده باشد. بنابراین، والدین موظف‌اند در امور مربوط به فرزند، به‌ویژه تربیت جسمانی، بر اساس معروف عرفی، یعنی شیوه‌های پسندیده و متداول عقلایی، با یکدیگر مشورت و هماهنگی کنند.

ج. محدوده‌ی موضوع ائتمار

آیا آیا لزوم «تساور» و تعامل میان زوجین، شامل مطلق مسائل مربوط به تعلیم و تربیت فرزند است یا تنها به مسئله‌ی «رضاع» اختصاص دارد؟ به تعبیر دیگر، آیا موضوع مشاوره مطلق است یا به رضاع اختصاص دارد؟ در پاسخ به این پرسش، توجه به این نکته ضروری است که گرچه سیاق آیات پیشین و پسین این سوره و حتی صدر آیه‌ی محل بحث، به موضوع «رضاع» اختصاص دارد، «ائتمار» در آیه‌ی شریفه مطلق است. برای تبیین این مسئله، سه احتمال قابل طرح است:

۱. اختصاص آیه‌ی ائتمار به رضاع، تغذیه و تربیت جسمانی فرزند: بر اساس این احتمال، بررسی آیه‌ی ائتمار از دایره‌ی ادله‌ی مورد بحث در فقه تربیتی خارج است و



نمی‌توان به آن استناد کرد؛ زیرا اگر مفاد دلیل صرفاً ناظر به تغذیه و وضعیت سلامت جسمانی کودک باشد، ارتباطی با مسئله‌ی تعلیم و تربیت او نخواهد داشت. مستند این احتمال، قرینیت سیاق و فضای داخلی آیه و آیات پیشین همین سوره است. البته تمسک به قرینیت سیاق، در موارد و شرایط مختلف، با دشواری‌هایی همراه است (انصاری شیرازی و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، موسوعة احکام الأطفال و أدلتها، تعلیقه‌ی کتاب، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۲۹۸).

۲. شمول آیه‌ی ائتمار نسبت به مطلق شئون فرزند: بر اساس این احتمال، همه‌ی امور مربوط به ابعاد جسمانی، تربیتی و آموزشی فرزند، مشمول آیه‌ی شریفه است. این امور، ازجمله تربیت، تعلیم دانش‌های مورد نیاز، آموزش آداب اجتماعی، ارشاد به نیکی‌ها و هر آن چیزی را دربرمی‌گیرد که برای فرزند معروف محسوب می‌شود و زمینه‌ی رشد و سعادت او را فراهم می‌کند. بر اساس این احتمال، آیه‌ی شریفه می‌تواند مستند بحث فقه تربیتی قرار گیرد و مبنایی برای استنباط احکام آموزش و تربیت خانوادگی باشد.

۳. شمول آیه‌ی ائتمار نسبت به همه‌ی امور مربوط به روابط زن و مرد: بر اساس این احتمال، زوجین موظف‌اند در همه‌ی امور با یکدیگر تعامل سازنده و مشورت داشته باشند؛ بنابراین، مشورت در امور مربوط به فرزند، بخشی از تکلیف گسترده‌ی والدین است، نه تمام آن. در اینجا باید توجه داشت که سیاق آیه، با توجه به اینکه ناظر به مسئله‌ی رضاع است، قرینیت قطعی و فراگیری ندارد؛ ازاین‌رو، صرف توجه به مورد نزول یا موضوع خاص آیه، موجب تقیید اطلاق آن نمی‌شود.

با خدشه در احتمال نخست، احتمال دوم و سوم قابل پذیرش‌اند. بر این اساس، ائتمار در آیه به مسئله‌ی خاص رضاع اختصاص ندارد؛ زیرا قرینه‌ای برخلاف اطلاق آن وجود ندارد و این اطلاق با فهم عرفی نیز سازگار است.

حکم مشورت والدین با یکدیگر بر اساس آیه‌ی شریفه

آیا مشورت والدین با یکدیگر، بر اساس آیه‌ی شریفه، واجب است یا استحباب دارد؟

اصولیان معتقدند هنگامی که صیغه‌ی امر با انگیزه‌ی برانگیختن و تحریک



مخاطب به‌کار می‌رود، برای انشای طلب وضع شده است (آخوند خراسانی، کفایة الأصول، ۱۴۰۹، ص ۶۸). همچنین، به اعتقاد مرحوم آخوند، مقتضای مقدمات حکمت، حمل ظهور صیغه‌ی امر بر وجوب است (همان، ص ۷۲). البته بر اساس برخی مبانی اصولی، ممکن است همه‌ی اوامر بر وجوب دلالت نداشته باشند؛ باین حال، بر مبنای دیدگاه اصولی مورد پذیرش در این پژوهش، حکم مستفاد از آیه‌ی ائتمار، وجوب مشورت است.

مشاوره در امور فرزند، وسیله‌ای برای اطمینان از رعایت مصالح او و فراهم‌سازی زمینه‌ی تربیت صحیح است. ازاین‌رو، اگر والدین بدون مشورت نیز به تعلیم و تربیت فرزند اهتمام ورزند و در نزاع‌ها و اختلافات خود، مصلحت او را نادیده نگیرند، می‌توان گفت که تکلیف به مشاوره، کفایی، طریقی و غیره است؛ زیرا غایت اصلی از مشورت، تأمین مصلحت فرزند است و مشورت و ائتمار، به‌عنوان ابزار تحقق این غایت، موضوعیت مستقل ندارند.

د. جمع‌بندی بحث آیه و تطبیق آیه‌ی ائتمار بر تربیت جسمانی

مخاطب آیه‌ی شریفه (وَأْتِمِرُوايَتَنَكَّمُ بِمَعْرُوفٍ) (طلاق: ۶) اگرچه مورد خاص آیه، والدین مطلقه در مسئله‌ی رضاع هستند، اما با توجه به قاعده‌ی اصولی «المورد لا یخصص الوارد»، نمی‌توان آیه را به موضوع رضاع محدود دانست. ازاین‌رو، مفاد آیه شامل امور مطلق شئون مربوط به فرزند، اعم از امور جسمانی و تربیتی، در صورت طلاق و غیر آن می‌شود.

همچنین، بر اساس تنقیح مناط و الغای خصوصیت، آنچه در آیه موضوعیت دارد، لزوم توافق و همکاری والدین برای رعایت مصالح فرزند است. بدیهی است که مصالح کودک به دوران شیرخوارگی منحصر نیست، بلکه تمام مراحل رشد او، به‌ویژه سلامت و تربیت جسمانی، را دربرمی‌گیرد. بنابراین، والدین موظف‌اند در تمام امور مربوط به فرزند، از جمله تدابیر مرتبط با تغذیه‌ی مناسب، بهداشت، ورزش و فعالیت‌های بدنی مؤثر در سلامت و توانمندی جسمانی او، با یکدیگر مشورت و هماهنگی کنند.



۴-۲. آیه‌ی مضاره

دومین آیه‌ی مورد بحث درباره‌ی وظایف تربیتی خانواده در حوزه‌ی تربیت جسمانی، آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره است که در بخشی از آن می‌فرماید: (لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ يَوْلَاهَا وَلَا مَوْلُودُهَا يَوْلَاهَا). در ابتدا بحث مفهوم شناسی ارائه می‌شود.

الف. مفاد «لا تضار»

در آیه‌ی شریفه‌ی (لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ يَوْلَاهَا وَلَا مَوْلُودُهَا يَوْلَاهَا) (بقره: ۲۳۳)، دو قرائت وجود دارد: بنا بر قرائت به نصب، «لا»ی نهی بر حرمت دلالت دارد و بنا بر قرائت به رفع، «لا»ی نفی بوده و ظاهر در اخبار است (حمیری، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۰۵؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۷۱). با این حال، حتی بر اساس قرائت دوم نیز نمی‌توان آیه را خبری حقیقی دانست؛ زیرا در عالم خارج، موارد فراوانی از اضرار والدین به فرزندان رخ می‌دهد. بنابراین، مقصود از جمله‌ی خبریه‌ی نافیه در این آیه، زجر و بازداشتن از اضرار است و از این رو، بر حکم تحریمی دلالت می‌کند؛ نظیر آیه‌ی شریفه‌ی (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) (نساء: ۱۴۱) که در قالب جمله‌ی خبری، در مقام نهی است. بدین ترتیب، فارغ از اختلاف در قرائت، آیه‌ی شریفه بر حرمت اضرار والدین به فرزند دلالت دارد.

درباره‌ی مفهوم مفاعله در آیه‌ی (لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ يَوْلَاهَا) دو احتمال مطرح است: ۱. ضرر متقابل: با توجه به ساختار باب مفاعله، پدر و مادر نباید به یکدیگر ضرر برسانند.

۲. اضرار یک طرف به دیگری: گاه باب مفاعله به معنای ضرر متقابل نیست؛ به این معنا که مادر حق ندارد با امتناع از رضاع به کودک ضرر برساند و پدر نیز حق ندارد با منع رضاع یا نپرداختن اجرت، به فرزند آسیب بزند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۷۲).

به نظر می‌رسد جمع میان این دو احتمال ممکن باشد. در این صورت، آیه‌ی شریفه متضمن دو حکم است: نخست، حرمت اضرار متقابل زوجین به یکدیگر؛ دوم، حرمت اضرار هر یک از والدین به فرزند. تعبیر به باب مفاعله می‌تواند نشانگر تأکید و



مبالغه در نفی هرگونه ضرررسانی باشد. فخرالدین رازی نیز در تفسیر خود، هر دو معنا را به یک اصل باز می‌گرداند: اینکه هیچ‌یک از والدین نباید به‌واسطه‌ی فرزند به دیگری آسیب برساند یا مستقیماً به کودک ضرر وارد کند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۲۶). بنابراین، آیه‌ی شریفه هم‌زمان دو تکلیف را متوجه والدین می‌سازد: حرمت اضرار هر یک از زوجین به دیگری به‌واسطه‌ی فرزند و حرمت اضرار مستقیم به فرزند. حتی اگر ملازمه‌ی دلالی میان این دو پذیرفته نشود و آیه را مختص به روابط زوجین بدانیم، با الغای خصوصیت می‌توان حکم حرمت را به موارد اضرار والدین به فرزند نیز تسری داد. از این‌رو، آیه‌ی مضارّه با وظایف تربیتی خانواده، به‌ویژه در حوزه‌ی تربیت جسمانی که ترک آن ممکن است موجب ضرر به کودک شود، ارتباط دارد. حکم مستفاد از آیه‌ی مضارّه آن است که هرگونه اضرار و آسیب‌رسانی به فرزند حرام است؛ همان‌گونه که اضرار هر یک از زوجین به دیگری نیز حرام است. درباره‌ی اینکه حکم مستفاد از آیه به رضاع طفل محدود است یا قلمروی فراتر از آن دارد، دو احتمال مطرح است:

۱. اختصاص حکم مستفاد از آیه به رضاع

بر اساس این احتمال، قلمرو آیه به تربیت جسمانی و عاطفی مرتبط با بهره‌مندی کودک از شیر مادر محدود می‌شود. این احتمال، مشابه یکی از احتمالات مطرح‌شده درباره‌ی آیه‌ی (وَأْتِمُرُوا بِبَنِيكُمْ بِمَعْرُوفٍ) است که آن را مختص به رضاع، تغذیه و تربیت جسمانی می‌دانست. بر این اساس، والدین نباید از حیث رضاع به طفل شیرخوار آسیب یا ضرر برسانند. در این صورت، آیه نسبت به سایر ابعاد تعلیم و تربیت کودک ساکت خواهد بود.

۲. عدم اختصاص حکم مستفاد از آیه به رضاع

بر اساس این احتمال، آیه دارای اطلاق است و حکم آن، مجموعه‌ای از وظایف بهداشتی، آموزشی و تربیتی والدین در قبال فرزند را دربر می‌گیرد.

اگرچه سیاق و مورد آیه ناظر به مسئله‌ی رضاع است، مورد، مخصّص نیست. چنان‌که فقره‌ی (لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا) در همین آیه، با وجود نزول در زمینه‌ای خاص، به‌عنوان قاعده‌ای عام در مباحث مختلف فقهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.



بنابراین، جمله‌ی (لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلَيْهَا وَلَا مَوْلُودَهُ بِوَلَدِهِ) نیز، هرچند درباره‌ی موضوعی خاص وارد شده است، می‌تواند مفید قاعده‌ای کلی باشد.

بر این اساس، اضرار عدوانی و ناحق به دیگران حرام است. این حکم، به‌ویژه درباره‌ی روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان، اهمیت دارد و اطلاق آن می‌تواند انواع اضرار جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، ازجمله اضرار در حوزه‌ی تربیت جسمانی را دربرگیرد.

ب. دایره‌ی شمول سنی حکم مضاره

آیه‌ی (لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلَيْهَا وَلَا مَوْلُودَهُ بِوَلَدِهِ)، به‌عنوان یک اصل و قاعده‌ی کلی، همان‌گونه که به رضاع اختصاص ندارد، به دوره‌ی دوساله‌ی شیردهی نیز محدود نیست، بلکه حکم آن در سنین بالاتر نیز جاری است. برای اثبات این مدعا می‌توان به اطلاق آیه و قاعده‌ی «مورد، مخصّص نیست» استناد کرد. افزون بر این، قاعده‌ی «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۱۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۲۸۱) و روایت منقول از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم که در ماجرای مرد انصاری فرمودند: «اَذْهَبْ فَأَقْلَعُهَا وَارْزَمْ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۴۲۸)، مؤید این مدعاست. بدین ترتیب، حرمت اضرار به فرزند به دوره‌ی شیرخوارگی محدود نیست و در مراحل مختلف زندگی فرزند نیز قابل طرح است.

به نظر می‌رسد سیاق اولیه و موضوع آیه، ناظر به رضاع و ممنوعیت اضرار مادی و عاطفی به فرزند است. بر اساس مفاد آیه‌ی مضاره، اضرار زوجین به یکدیگر و نیز اضرار مادی به فرزند حرام است. ازجمله ضررهای متوجه کودک، آسیب‌هایی است که در اثر کوتاهی در تربیت جسمانی به او وارد می‌شود. ازاین‌رو، چنانچه اطمینان عقلایی وجود داشته باشد که سستی والدین در انجام وظایف خود موجب ورود ضرری قابل توجه به کودک می‌شود، والدین در صورت ترک وظیفه‌ی لازم، مستوجب مؤاخذه خواهند بود.

البته درباره‌ی استدلال به آیه‌ی شریفه باید توجه داشت که مفاد آیه‌ی مضاره در



بحث حاضر، ناظر به نادیده‌گرفتن و برطرف‌نکردن نیازهای پایه و حیاتی جسمانی است؛ مانند سوء‌تغذیه یا ترک درمان کودکان، در مواردی که عرفاً موجب ورود ضرر معتدبه به سلامت بالفعل یا بالقوه‌ی کودک می‌شود. کوتاهی در تأمین این نیازها، عرفاً منشأ ضرر است و می‌تواند مشمول حکم حرمت قرار گیرد. در مقابل، تأمین زمینه‌های کمال و تقویت بیشتر جسمانی کودک، در مواردی که ترک آن صرفاً موجب عدم‌النفع می‌شود و نه ورود ضرر، به‌خودی‌خود و بر اساس این آیه، مصداق تکلیف الزامی نیست.

۴-۳. قاعده‌ی عامه‌ی اعانه بر «برّ»

یکی از قواعد عام فقهی که می‌تواند به‌عنوان قاعده‌ای مستقل برای اثبات بسیاری از احکام مورد استناد قرار گیرد، قاعده‌ی اعانه بر نیکی و تقواست. این قاعده به ادله‌ی عقلی، قرآنی، از جمله آیه‌ی (تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) (مانده: ۲)، و روایی مستند است و به معنای زمینه‌سازی افراد برای انجام اعمال نیک و تقوایی دیگران است. بر اساس مفاد این قاعده، مکلفان فراتر از اقدام مستقیم برای انجام تکالیف خویش، در قبال امثال تکالیف دیگران نیز بی‌تفاوت نیستند؛ بلکه با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های ممکن، به دیگران در اطاعت و فرمان‌برداری از اوامر شرعی یاری می‌رسانند.

الف. قاعده‌ی اعانه‌ی بر برّ و وظیفه‌مندی والدین در تربیت جسمانی

قاعده‌ی فقهی «اعانه بر برّ»، مستند به آیه‌ی شریفه‌ی (تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ) (مانده: ۲)، بر رجحان یاری‌رسانی به دیگران در انجام کارهای نیک دلالت دارد. مقصود از «برّ» در آیه، مطلق کارهای شایسته، اعم از اعتقادی، عبادی، اخلاقی و جسمانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۵۳). از آنجاکه «برّ» هم واجبات و هم مستحبات را دربرمی‌گیرد، صرف تمسک به این قاعده، بدون تفکیک مراتب نیازهای کودک، برای تعیین مرز میان وجوب و استحباب کافی نیست. برای رفع این ابهام، باید مراتب نیازهای جسمانی کودک را از یکدیگر تفکیک کرد:

نخست، نیازهای پایه و حیاتی؛ مانند تأمین حداقل تغذیه‌ی لازم، درمان



بیماری‌های جدی و پیشگیری از آسیب‌های بدنی مهلک. کوتاهی در تأمین این نیازها، حیات یا سلامت اساسی کودک را در معرض خطر قرار می‌دهد. یاری‌رسانی والدین در این سطح، مصداق اعانه بر واجب است و حکم وجوب پیدا می‌کند. دوم، نیازهای ارتقایی و نشاط‌آور؛ مانند ورزش‌های تفریحی، بازی‌های تحرکی و تقویت قوای جسمانی فراتر از حد لازم برای حفظ حیات و سلامت پایه. این امور، گرچه مطلوبیت شرعی دارند، ترک آن‌ها لزوماً موجب ورود ضرر معتنا به عرفی نمی‌شود. بنابراین، یاری‌رسانی در این سطح، مصداق اعانه بر مستحب و برخوردار از حکم استحباب است.

بر این اساس، والدین در تأمین نیازهای پایه و حیاتی جسمانی فرزندان، تکلیف وجوبی دارند و کوتاهی آنان می‌تواند موجب ضمان و مسئولیت شرعی شود؛ اما در زمینه‌ی نیازهای ارتقایی و نشاط‌آور، از جمله تشویق به ورزش‌های مفید و تأمین تغذیه‌ی سالم فراتر از حد نیازهای پایه، وظیفه‌ی آنان در مرتبه‌ی استحباب قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، قاعده‌ی «اعانه‌ی بر برّ» با تفکیک مراتب حکم، به‌درستی در مسئله‌ی تربیت جسمانی قابل‌کاربست خواهد بود.

۴-۳. مناسبات حکم و موضوع در باره‌ی رجحان تربیت جسمانی فرزندان

در باب برخی ورزش‌ها تصریح شده که والدین وظیفه دارند به فرزندان خویش بیاموزند. چنانکه در روایت ذیل از امام علی (ع) به نقل از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است: «عَلَى بَنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷)؛ به فرزندان خویش شنا و تیراندازی را بیاموزید. علاوه بر دو ورزش مذکور در روایات دیگری به امور دیگر مثل سوارکاری و یا کشتی گرفتن نیز اشاره شده است (ری شهری، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۲۴).

در روایت مشهور «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷) هرچند به لحاظ سندی مرفوعه و ضعیف است؛ اما به جهت شهرت روایی میان فقها، می‌توان با تمسک به قاعده‌ی تسامح در ادله سنن، استحباب تعلیم این دو



مهارت را پذیرفت. پرسش اساسی آن است که آیا حکم استحباب به همین دو مورد اختصاص دارد یا سایر ورزش‌ها و فعالیت‌های جسمانی مفید را نیز دربرمی‌گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش، می‌توان از روش کشف مناسبت حکم و موضوع بهره گرفت. توضیح آنکه میان حکم به استحباب آموزش شنا و تیراندازی و موضوع این دو مهارت، مناسبت خاصی وجود دارد؛ شنا مهارتی است که در حفظ جان از خطر غرق‌شدگی نقش دارد و تیراندازی نیز توانمندی دفاعی و جهادی را افزایش می‌دهد. بنابراین، می‌توان ملاک حکم را «تأمین آمادگی جسمانی مؤثر در حفظ جان، سلامت و توان دفاعی فرد و جامعه» دانست.

این ملاک به شنا و تیراندازی اختصاص ندارد؛ بلکه هر فعالیت جسمانی دیگری که عرفاً به تحقق آن کمک کند، اعم از ورزش‌های سنتی مانند سوارکاری و کشتی یا ورزش‌های نوین مانند دویدن، ورزش‌های گروهی و تمرین‌های آمادگی جسمانی، می‌تواند مشمول همان حکم استحبابی باشد؛ مشروط بر آنکه خود متضمن ضرر معتنا به یا حرام شرعی نباشد. بدین ترتیب، با تکیه بر مناسبت حکم و موضوع، می‌توان قلمرو استحباب را از دو روایت یادشده فراتر برد و نتیجه گرفت که والدین به تشویق فرزندان به فعالیت‌های جسمانی مفید و گنجاندن آن‌ها در برنامه‌ی تربیتی آنان ترغیب شده‌اند.

۴-۴. دلیل عقلی: وجوب دفع ضرر محتمل

الف. تبیین قاعده

یکی از قواعد مسلم عقلی که در اصول فقه امامیه به‌عنوان منبعی مستقل در کنار ادله‌ی نقلی پذیرفته شده است، قاعده‌ی «وجوب دفع ضرر محتمل» است. مفاد این قاعده آن است که هرگاه ترک یک فعل، احتمال عقلایی و معتنا به‌ی از وقوع ضرر جانی یا عرضی را به دنبال داشته باشد، عقل عملی به وجوب انجام آن فعل حکم می‌کند. این حکم عقلی مشروط به سه امر است: اولاً، احتمال ضرر باید عقلایی باشد و صرفاً بر اوهام و احتمالات غیرمعتدبه استوار نباشد؛ ثانیاً، انجام آن فعل مستلزم ضرر یا ارتکاب حرام شرعی بزرگ‌تری نباشد؛ ثالثاً، ضرر محتمل باید معتنا به



و قابل توجه باشد، نه اندک و ناچیز. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۶۱۷).
 مستند این قاعده، حکم مستقل عقل عملی است که افزون بر آن، از بنای عقلا، سیره‌ی متشرعه و تأییدات نقلی، از جمله روایت «لا ضرر و لا ضرار»، نیز پشتیبانی می‌شود. بر این اساس، عقل هر انسانی را به انجام اموری که ترک آن‌ها با احتمال عقلایی وقوع ضرر همراه است، ملزم می‌داند و ترک‌کننده را مستحق مذمت و تقبیح می‌شمارد.

ب. تطبیق قاعده بر مسئله‌ی تربیت جسمانی

اکنون قاعده‌ی مذکور را بر وظایف والدین در قبال تربیت جسمانی فرزندان تطبیق می‌دهیم. بدیهی است که اگر والدین از تأمین نیازهای پایه و حیاتی جسمانی کودک، مانند تغذیه‌ی کافی، درمان به موقع بیماری‌ها، پیشگیری از آسیب‌های بدنی قابل اجتناب و فراهم‌سازی حداقل تحرک بدنی ضروری، خودداری کنند، احتمال عقلایی و قابل توجهی وجود دارد که کودک به سوءتغذیه، بیماری‌های جسمانی جبران‌ناپذیر، ضعف بنیه یا اختلالات رشد مبتلا شود. این احتمال، از نوع اوهام نیست، بلکه مورد تأیید عرف و عقلا و مبتنی بر تجارب پزشکی و تربیتی است.
 عقل عملی در چنین شرایطی حکم می‌کند که والدین موظف‌اند با انجام اقدامات پیشگیرانه و تأمین مقدمات ضروری، از تحقق این ضررهای محتمل جلوگیری کنند. بنابراین، دست‌کم در زمینه‌ی تأمین حداقل‌های سلامت جسمانی که ترک آن‌ها با احتمال ورود ضرر معتنا به همراه است، قاعده‌ی مذکور بر وجوب اقدام والدین دلالت دارد.

ج. قلمرو قاعده

لازم است تأکید شود که قاعده‌ی «وجوب دفع ضرر محتمل» در سطوح بالاتر تربیت جسمانی، مانند آموزش ورزش‌های تخصصی، فراهم‌سازی امکانات تفریحی پیشرفته یا تقویت بنیه فراتر از حد نیازهای پایه، جاری نمی‌شود؛ زیرا ترک این امور معمولاً با احتمال ورود ضرر معتنا به همراه نیست. در این سطوح، ممکن است احکام دیگری، مانند استحباب مبتنی بر قاعده‌ی اعانه‌ی بر بر یا



مناسبت حکم و موضوع، جاری شود. بدین ترتیب، دلیل عقلی صرفاً وجوب تأمین سطح پایه‌ی سلامت جسمانی را اثبات می‌کند و برای اثبات وجوب مطلق تربیت جسمانی کافی نیست.

۴-۵. سیره عقلای عصر حاضر

یکی از سیره‌هایی که به‌نحوی در میان عقلای عصر حاضر رواج دارد، تلاش برای ایجاد مهارت‌های جسمانی در کودکان است. با این حال، مفاد این سیره، بر فرض ثبوت، بیش از رجحان عام را اثبات نمی‌کند. به نظر می‌رسد دلیلی بر عمومیت این سیره وجود ندارد. افزون بر این، بر فرض پذیرش اصل وجود چنین سیره‌ای، ملاک حجیت سیره، رواج آن در دوران‌های متأخر نیست؛ بلکه سیره‌هایی از اعتبار برخوردارند که اتصال آن‌ها به عصر معصوم علیه‌السلام احراز شود. اثبات این اتصال در خصوص سیره‌ی مذکور، محل تردید است.

با این حال، ممکن است چنین استدلال شود که سیره‌ی عقلا در هر عصری بر این بوده است که مهارت‌های مورد نیاز فرزندان برای زندگی آینده را به آنان آموزش دهند. دلیل خاصی وجود ندارد که ثابت کند در زمان معصومان علیهم‌السلام، والدین صرفاً مهارت‌های رزمی را به فرزندان خود آموزش می‌دادند و از آموزش سایر مهارت‌ها، مانند مهارت‌های مرتبط با رفاه جسمانی و اقتصادی، از جمله کشاورزی و فنون مربوط به حرفه‌ها و مشاغل اجتماعی، غفلت می‌کردند. بلکه بررسی سیره‌ی عقلا در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که والدین از سنین کودکی، مهارت‌های مورد نیاز را به فرزندان خود آموزش می‌داده‌اند. هرچند نوع این مهارت‌ها، متناسب با نیازهای هر عصر و امکانات هر منطقه متفاوت بوده است، در اصل آموزش مهارت‌های مورد نیاز به فرزندان، تردیدی وجود ندارد و شواهدی نیز در تأیید این مدعا قابل ارائه است.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش تحلیلی - استنباطی، درصدد تبیین نظام‌مند وظیفه‌ی شرعی والدین در قبال تربیت جسمانی فرزندان برآمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تربیت



جسمانی، برخلاف تصور رایجی که آن را امری مباح یا صرفاً عرفی می‌پندارد، از پشتوانه‌ی ادله‌ی متنوع فقهی، شامل کتاب، سنت، قواعد فقهی و عقل، برخوردار است. از مجموع ادله‌ی مورد بررسی، مراتب زیر را می‌توان برای تکلیف والدین استخراج کرد:

اول: وجوب تأمین نیازهای پایه و حیاتی. با استناد به قاعده‌ی عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل» و نیز قاعده‌ی فقهی «اعانه بر برّ» در سطح اعانه بر واجب، والدین موظف‌اند حداقل‌های ضروری سلامت کودک، از جمله تغذیه‌ی کافی، درمان به موقع بیماری‌ها و پیشگیری از آسیب‌های بدنی مهلک، را تأمین کنند. ترک این امور، احتمال عقلایی ورود ضرر معتابه را به دنبال دارد و می‌تواند از مصادیق حرمت اضرار مستفاد از آیه‌ی «لَا تُضَارَّ» (بقره: ۲۳۳) باشد.

دوم: استحباب تقویت بنیه و انجام ورزش‌های نشاط‌آور. بر اساس قاعده‌ی «اعانه بر برّ» در سطح اعانه بر مستحب و نیز کشف مناسبت حکم و موضوع از روایات آموزش شنا و تیراندازی، والدین در تشویق فرزندان به ورزش‌های مفید و فعالیت‌های جسمانی نشاط‌آوری که ترک آن‌ها موجب ضرر معتابه نمی‌شود، از تکلیف استحبابی مؤکد برخوردارند.

سوم: وجوب مشورت والدین. آیه‌ی شریفه‌ی «اتّامار» (طلاق: ۶)، با توجه به اطلاق آن، والدین را به مشورت و هماهنگی در امور مربوط به سلامت و تربیت جسمانی کودک ملزم می‌سازد. بر اساس مبنای اصولی پذیرفته‌شده در این پژوهش، صیغه‌ی امر در آیه بر وجوب دلالت دارد.

انسان موجودی دوساحتی است و غفلت از سلامت و توانمندی جسمانی او با نگرش جامع اسلام به انسان سازگار نیست. تقویت جسم، اگرچه هدف نهایی تربیت اسلامی نیست، به عنوان مقدمه‌ای ضروری برای تعالی روحانی، از مطلوبیت شرعی برخوردار است. نوآوری پژوهش حاضر در استخراج نظام‌مند مراتب حکمی متفاوت، شامل وجوب، حرمت و استحباب، در حوزه‌ی تربیت جسمانی و تفکیک دقیق مراتب نیازهای کودک بر اساس قواعد اصولی معتبر است.



پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات آتی در موضوعات مرتبطی مانند احکام فقهی تغذیه‌ی کودکان، ازجمله محصولات تراریخته، حکم ورزش‌های غیرمصرح در ادله‌ی دینی، حضور ورزشکاران زن در عرصه‌های اجتماعی، محیط‌های ورزشی مختلط و توسعه‌ی ورزش همگانی از منظر فقه تربیتی باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۳. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم.
۴. اسدی نژاد، سید محمد؛ رستمی چلکاسری، عباد الله و مردای فاطمه (۱۳۹۴)، «حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر»، دوفصلنامه‌ی فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۶۲، ۱۷۳-۱۹۴.
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱)، فقه تربیتی مبانی و پیش‌فرض‌ها، ج ۱، تحقیق و نگارش سید تقی موسوی، قم: موسسه‌ی فرهنگی و هنری اشراق و عرفان.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه‌ی البعثة؛ مرکز الطباعة و النشر.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للمالین.
۸. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولوم، بیروت، بیروت: دار الفکر المعاصر.
۹. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹)، کفایة الأصول، مؤسسه‌ی آل البیت (ع).
۱۰. داودی، محمد و کارآمد، حسین (۱۴۰۲)، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان.
۱۱. رازی، فخرالدین، ابو‌عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار العلم - الدار الشامیة.
۱۳. رجایی، محمد قاسم، طرقي، مجید، بناری، علی همت، «مطالعات فقه تربیتی»، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۳۳، ص ۷ - ۳۹.
۱۴. ری شهری، محمد (بی‌تا)، تهران: میزان الحکمه، دارالحديث.
۱۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹)، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۶. سعیدی رضوانی، محمود؛ فرع شیرازی، سید مصطفی؛ عبد‌اللهی نژاد، عبدالکریم و عابدی سرآسیا، علیرضا (۱۳۹۹)، «رهیافتی فقهی بر چیستی حکم تربیت جنسی بر اساس ادله عام و خاص تربیتی».



- دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۷۲، ۱۲۷-۱۵۲.
۱۷. شریفی، عنایت، «پژوهشنامه‌ی معارف قرآنی»، بهار ۱۳۹۱، شماره ۸، ص ۱-۲۸.
۱۸. شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۷)، استفتاءات جدید، قم: انتشارات مدرسه‌ی امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۹. طیب سید عبد الحسین (۱۳۷۸ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۲۰. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام (۱۴۲۹)، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام.
۲۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب.
۲۲. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۴. عاملی، حژ، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۲۵. علیزاده، مژده؛ «پژوهشنامه امام رضا (علیه السلام) و علوم روز»، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۸، ص ۶۷-۹۱.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۷. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، کافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۸. قمی، محمد مؤمن (۱۴۱۵)، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۱. مطهری، مرتضی (بی‌تا)، نرم‌افزار مجموعه آثار استاد مطهری، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۳۲. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة - کتاب الصیام، نجف: مؤسسه‌ی کاشف الغطاء.

